

تأثیر احساس محرومیت نسبی بر گرایش برخی از ساکنان غرب کشور به داعش

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۱/۱۴

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۳/۲۰

فرید علومی*

رضا جلالی**

چکیده

مدیریت و مقابله با اقدامات افراط‌گرایانه قومی و مذهبی، نیازمند شناخت دقیق و جامع مؤلفه‌های گرایش عناصر عضو این گروه‌ها است. در نگاه اولیه، تصورات بر محرومیت این عناصر در جریان زندگی عادی و سپس پیوستن به گروهک‌های افراط‌گرای قومی و مذهبی مانند داعش اشاره دارد. پژوهش حاضر با هدف پاسخ به سؤال «مؤلفه‌های محرومیت نسبی چه تأثیری در گرایش برخی ساکنان غرب کشور به داعش دارند؟» تدوین شده است. در ابتدا با در نظر داشت سوابق و مدل‌های مفهومی موجود برای تشریح عوامل گرایش به گروهک‌های افراط‌گرای قومی و مذهبی، مدل مفهومی بدیعی با کاربست نظریه محرومیت نسبی طراحی و توسط ۸۰ نفر از محکومان امنیتی دارای سابقه عضویت در گروه داعش مورد بررسی قرار گرفته است. داده‌های تحقیق با استفاده از نرم‌افزارهای SPSS و SMART و PLS و آزمون‌های رگرسیون و فریدمن تحلیل شده‌اند. در پایان، اثرگذاری هر کدام از متغیرها از حیث وجودی و میزان شدت مورد بحث و تحلیل قرار گرفتند.

واژگان کلیدی: افراط‌گرایی قومی و مذهبی، داعش، کردها، محرومیت نسبی

*دانشجوی دکترای دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز

dr_rezajalali@yahoo.com

**استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز (نویسنده مسئول)

مقدمه

افراط‌گرایی^۱ یا تندروی شامل هر عمل، نظر سیاسی و اجتماعی که خواهان تغییرات فوری و قاطع در نهادهای اجتماعی باشند را در بر می‌گیرد. این لغت در علوم اجتماعی به آن اندیشه‌هایی اطلاق می‌گردد که اقداماتی تند و ریشه‌ای را در بهبود جامعه با ایجاد دگرگونی‌های بنیادی در امور سیاسی، اقتصادی و اجتماعی خواستار باشند، اطلاق می‌گردد. اقلیت‌های قومی و فرهنگی برای کشورها در آن واحد هم فرصت و هم تهدید است که نحوه مدیریت و سیاست‌گذاری دولت‌ها در این زمینه امری بسیار موثر است. ساختار جمعیتی در داخل جمهوری اسلامی ایران متشکل از اقوام متفاوت بوده است. مسأله کردها با توجه به پراکندگی اقوام در مرز ملیت‌های دیگر صرفاً به‌عنوان یک مسأله داخلی تفسیر نمی‌شود و از این رو نگاه ایران به این مسأله در کنار منافع ملی تحت‌الشعاع شرایط امنیتی و نظم منطقه‌ای می‌باشد.

پدیده افراط‌گرایی و به دنبال آن تروریسم نه به منطقه مشخصی از جهان محدود می‌شود و نه خاص دین و مذهب خاصی است. پراکندگی جغرافیایی قوم کرد در غرب کشور و قرار گرفتن گروهی از آن‌ها در کشور عراق و مجاورت مرزهای غربی ایران، با مذاهب و اقوام گوناگون که نقش موثری در شکل‌گیری جریان‌های قومی و مذهبی در غرب ایران را ایفا می‌کند و منشأ واگرایی قومی و مذهبی است لذا ضرورت آسیب‌شناسی و کاهش تبعات سوء ناشی از افراط‌گرایی قومی - مذهبی در این بخش را دو چندان می‌کند. پیرامون بررسی نقش افراط‌گرایی قومی - مذهبی گروه‌های کرد در جذب و پیوستن به گروه تروریستی و تکفیری داعش به‌عنوان یک گروه افراط‌گرای مذهبی، پژوهش‌هایی درخصوص آسیب‌شناسی افراط‌گرایی قومی در مناطق غرب کشور یا آسیب‌های افراط‌گرایی مذهبی در مناطق کردنشین صورت پذیرفته است. در میان این پژوهش‌ها رساله دکترای تورج گیوری (۱۳۹۸) تحت عنوان «علل و عوامل موثر بر گسترش گروه‌های رادیکال قومی - مذهبی در مناطق مرکزی جمهوری اسلامی ایران» به‌صورت کلی مدلی را برای گرایش به گروه‌های افراط‌گرا و هویت آن‌ها ارائه داده است که در این پژوهش نیز مؤلفه‌ها با توجه به گروه داعش تغییر کرده و مورد بررسی قرار گرفته است.

در این پژوهش با نظر اساتید محترم و به‌کارگیری مدل‌های موجود از نظریه محرومیت نسبی برای گروه‌های افراط‌گرای قومی و مذهبی از طریق جمع‌آوری کتابخانه‌ای، مدل مفهومی جدیدی از متغیرهای موجود در گرایش به گروهک‌های تروریستی و تکفیری حاصل شد. مدل جدید از طریق پرسشنامه تهیه شده از طریق شیوه میدانی در میان جامعه آماری محکومین امنیتی با جرم ارتباط با گروه داعش مورد بررسی قرار گرفته است. پس از پایایی و روایی پرسشنامه اقدام به تحلیل داده‌های مورد نظر با آزمون‌های مربوطه آماری شده است. لازم به ذکر است که این پژوهش به لحاظ کیفیت تحلیل اولاً در زمره پژوهش‌های (توصیفی-تحلیلی) با شیوه جمع‌آوری ترکیبی (کمی و کیفی) است.

با کاربست نظریه محرومیت نسبی، مدلی از علت‌های اصلی گرایش کردهای ساکن مناطق غربی جمهوری اسلامی ایران به گروه تروریستی داعش با توجه به میزان شدت و اولویت نسبت به سایر موارد ارائه گردیده است. در نهایت با توجه به پژوهش‌های صورت گرفته مشخص شد که دلایل مذهبی بیشترین شدت، از میان عوامل گرایش به گروه داعش را به خود اختصاص داده است.

الف. تعریف مفاهیم

۱. افراط‌گرایی

پدیده افراط‌گرایی به علت پیچیدگی و ابعاد گسترده آن، می‌تواند با رویکردهای مختلف سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی مورد بررسی و ارزیابی قرار گیرد. اما فارغ از ابعاد گسترده‌ای که این امر به خود اختصاص داده است، آنچه دارای اهمیت است نگرانی از بسط چنین نابسامانی است که تمام لایه‌های زیست فردی و اجتماعی را در جوامع درگیر خود می‌سازد. آشوری در فرهنگ سیاسی و در تعریف «رادیکالیسم» می‌نویسد: به معنای هواخواهی و طرفداری از «دگرگونی‌های بنیادی» جامعه و نهادهای اجتماعی موجود است. رادیکال^۱ از نظر لغوی به معنای اصل و ریشه است و در علوم اجتماعی به آن اندیشه‌هایی می‌گویند که اقداماتی تند و سخت و

ریشه‌ای را در بهبود جامعه خواهانند و دگرگونی‌های بنیادی را در امور سیاسی و اقتصادی و اجتماعی طلب می‌کنند. در حوزه علوم اجتماعی «جامعه‌شناسی رادیکال» مظهر کوشش در پیوند زدن تحقیقات اجتماعی به اعماق توده‌ها است و سعی دارد با بکارگیری حاصل کار پژوهش‌های جامعه‌شناختی، تغییرات اساسی در جامعه به وجود آورد. رادیکالیسم دلالت بر هر فکر و عمل سیاسی و اجتماعی که خواستار دگرگونی‌های ژرف و عمیق و بی‌درنگ در نهادهای موجود است (آشوری، ۱۳۵۱: ۲۳).

راجر اسکروتن^۱ در فرهنگ اندیشه سیاسی، افراط‌گرایی را چنین تعریف کرده است: «اصطلاحی مبهم که می‌تواند حاوی این معانی باشد: ۱. اندیشه‌ای سیاسی را به حد افراط کشاندن، بدون توجه به عواقب ناگوار جنبه‌های غیر عملی بحث‌ها و احساسات مخالف که هدف از آن نه تنها مقابله، بلکه درهم شکستن هر نوع مخالف باشد. ۲. عدم رواداری نسبت به همه‌ی دیدگاه‌ها غیر از دیدگاه خود. ۳. توسط به وسائلی برای کسب اهداف سیاسی که حاکی از بی‌حرمتی نسبت به زندگی، آزادی و حقوق انسانی دیگران است.» در واقع براساس تعریف فوق، افراط‌گرایی نوعی مقابله با طرف مقابل و سایر اطراف است (ویلکاکس، ۱۳۸۲: ۱۱۶).

۲. هویت

هویت^۲ در فرهنگ آکسفورد از ریشه لاتین آیدن‌تی‌تاس^۳ از ریشه آیدم^۴ به معنی تشابه و یکسان‌گرفته شده است. دارای دو معنی اصلی است. اولین معنای آن بیانگر مفهوم تشابه مطلق یا این‌همانی و معنای دوم آن به مفهوم تمایز میان دو شیء یا دو فرد و یا دو چیز با یکدیگر است. با این وجود هویت را می‌توان ویژگی و کیفیتی دانست که موجب تمایز و شناسایی فرد، گروه، قوم و یا جامعه‌ای از دیگر افراد، گروه‌ها، اقوام و جوامع می‌شود. بنابراین هویت به‌طور همزمان دو نسبت محتمل را میان افراد یا اشیاء برقرار می‌سازد، از یک طرف شباهت و از طرف دیگر تفاوت و بدین معنا که ما بوسیله شباهت‌ها و تفاوت‌هایمان شناخته می‌شویم. (گودرزی، ۱۳۹۵: ۱۷-۱۸)

1. Roger Scruton
2. Identitas
3. identitas
4. idem

۳. ملت و هویت ملی

ملت، گروه قابل توجهی از افراد با فرهنگ و سرزمین مشترک در عناصری مانند دین، زبان، نهادهای سیاسی، ارزش‌ها و تجربیات تاریخی کم و بیش همسان هستند و بر این باورند که به هم تعلق دارند و آشکارا از دیگران قابل تمایزند (کاوایانی‌راد، ۱۳۸۹: ۳۹). اگر هویت، شناختی است که مردم از خود دارند و خود را با دیگران متمایز می‌کنند (زاهد، ۱۳۸۴: ۱۳۱) هویت ملی ارتقای این شناخت از فرد، گروه و قبیله و هر اجتماع فروملی به جامعه ملی و احساس تعلق به «عناصر و نمادهای مشترک ملی (کل جامعه) و در میان مرزهای تعریف شده سیاسی است» (یوسفی، ۱۳۸۰: ۱۷). هویت ملی فراگیرترین، بالاترین و مشروع‌ترین سطح هویت و نوعی احساس تعلق به ملتی خاص است؛ ملتی که نمادها، سنت‌ها، مکان‌های مقدس، آداب، رسوم، قهرمانان تاریخی و فرهنگ و سرزمین معین دارد (گل‌محمدی، ۱۳۷۳: ۶۳).

۴. قوم

آنتونی دی‌اسمیت که خود از بنیان‌گذاران دیدگاه نمادپردازی قومی است، قوم را چنین تعریف کرده است: «قوم عبارت است از یک جمعیت انسانی مشخص با یک افسانه اجدادی مشترک، خاطرات و عناصر فرهنگی مشترک، پیوند با یک سرزمین تاریخی یا وطن و با میزانی از حس منافع و مسئولیت» (اسمیت، ۱۳۷۷: ۱۸۶). هنگامی که در کنش‌های قومی رفتار نمادین و منزلتی با گرایش‌های اعتراضی همراه می‌شود، تظاهراتی شده و در نهایت ممکن است به «رادیکالیسم» تبدیل شود (ضیاء‌الدینی و دیگران، ۱۳۹۸: ۳۲). معمولاً تصور غالب در مورد ریشه‌های افراط‌گرایی این است که برخی مناطق به سبب شرایط نفوذناپذیر، نداشتن تعامل با دنیای خارج و مرکزگریزی و ناسازگاری با دولت مرکزی، مولد عقب‌ماندگی فرهنگی، رفاهی و اقتصادی، در نتیجه افراط‌گرایی شده‌اند. از این رو، فقر، محرومیت، ناکامی تندرروهای مذهبی در بنیان‌گذاری آرمان شهر ایدئولوژیک‌شان و بی‌سوادی و تعصب، سبب انزوا و دور ماندن بخش‌هایی از جوامع از روندهای سیاسی مدرن شده است که آثار آن به صورت خشونت بروز می‌کند.



شکل ۱. مدل مفهومی تعامل هویت‌ها با یکدیگر و حکومت مرکزی (گیوری، ۱۳۹۸: ۲۴)

۵. محرومیت نسبی

مفهوم محرومیت نسبی را اولین بار در دهه ۱۹۴۰ (میلادی)، نویسندگان کتاب «سرباز آمریکایی» به‌کار بردند. آن‌ها از این مفهوم برای نشان دادن احساسات فردی استفاده می‌کنند که فاقد منزلت یا شرایطی است؛ که به اعتقاد خودش باید داشته باشد. معیار چنین شخصی مراجعه به داشته‌های اشخاص یا گروه‌های دیگر است. شایان ذکر است معیارهای ارزشی ممکن است منابع دیگری نیز داشته باشند؛ یعنی اینکه مرجع یک فرد ممکن است وضعیت گذشته خود وی، آرمانی انتزاعی یا معیارهایی باشد که توسط یک رهبر و نیز یک «گروه مرجع» طراحی شده است (عطا و سعیدیان، ۱۳۹۱: ۴۰).

محرومیت نسبی به‌عنوان برداشت بازیگران از وجود اختلاف میان انتظارات ارزشی و توانایی‌های ارزشی‌شان تعریف می‌شود. انتظارات ارزشی، کالاها و شرایط زندگی‌ای هستند که مردم خود را مستحق آن‌ها می‌دانند. توانایی‌های ارزشی کالاها و شرایطی هستند که آن‌ها فکر

می‌کنند عملاً توانایی کسب و حفظ آن‌ها را دارند. این فرضیه بر برداشت ذهنی از محرومیت تأکید دارد، مردم ممکن است به‌طور ذهنی با توجه به انتظاراتشان احساس محرومیت کنند، اما یک ناظر عینی آن‌ها را نیازمند قلمداد نکند. به همین ترتیب، کسانی که در وضعیتی به سر می‌برند که از دید یک ناظر، حد اعلاهی فقر یا «محرومیت مطلق» است، ممکن است آن را ناعادلانه یا چاره‌ناپذیر قلمداد نکنند (گر، ۱۳۸۷: ۲۴). به عبارتی دیگر «اگر مردم هیچ دلیلی برای انتظار یا امید به بیش از آنچه دارند، نداشته باشند، نسبت به آنچه دارند کمتر ناراضی می‌شوند یا حتی بدانچه دارند شاکر خواهند بود» یعنی این‌که محرومیت نسبی به‌عنوان «اخلاق منفی میان انتظارات مشروع و واقعیت» است (رانسیمن، ۱۹۹۶: ۹).

پس می‌توان اظهار داشت که محرومیت نسبی عبارت است از (درک تفاوت میان انتظارات ارزشی و توانایی‌های ارزشی افراد که ممکن است براساس مقایسه وضعیت فعلی فرد با گذشته خود، آرمان‌های انتزاعی یا معیارهایی که توسط یک رهبر یا یک گروه مرجع طراحی شده است (ایدئولوژی) و یا ارجاع به گروه‌های دیگر، شکل بگیرد (گر، ۱۳۷۷: ۲۷). براساس این نظریه، ریشه رفتارهای افراط‌گرایانه، نوعی ناکامی ناشی از محرومیت‌های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی است. بنابراین هرگاه بین فرد و اهدافش مانعی قرار گیرد، فرد یا گروه مورد نظر به علت عدم توانایی در حصول به اهداف، ارزش‌ها و آرمان‌های اجتماعی و یأس و ناامیدی ناشی از آن، به خشونت و رفتارهای افراطی روی می‌آورد (جمالی، ۱۳۹۰: ۱۵۴). بر اساس این نظریه، افراط‌گرایی در غرب آسیا و شمال آفریقا، ناشی از ناکامی گروه‌های افراطی در دستیابی به قدرت و استقرار ساختار سیاسی مبتنی بر اهدافشان و فقر فرهنگی و فکری و محرومیت قشرهای حامی این گروه‌ها بوده است. این نوع رفتار تا زمان رفع این ناکامی تداوم خواهد یافت. بنابراین، در صورت عدم هماهنگی میان انتظارات مردم و واقعیت‌های اجتماعی، نوعی احساس محرومیت پدید می‌آید و این احساس نیز منجر به ظهور گرایش به گروه‌های تروریستی و تکفیری مانند داعش می‌شود.

ب. عوامل زمینه‌ای پیوستن افراد به داعش

باید این ملاحظه که هیچ‌کدام از عواملی که در ادامه برشمرده شده است، به تنهایی نه شرط لازم پیوستن افراد به داعش هستند و نه شرط کافی آن، را در نظر داشت.

۱. قرار داشتن تحت بمباران رسانه‌ای داعش؛ تقریباً همه محققین بر اهمیت سرنوشت‌ساز رسانه در جذب نیرو به وسیله داعش صحه گذاشته‌اند. دانیل بیمن با اشاره به نامه‌ای از بن‌لادن که در آن ۹۰ درصد جنگ را جنگ رسانه‌ای دانسته است، می‌کوشد نشان دهد استراتژی رسانه‌ای داعش میراث القاعده است (Byman, 2015: 15).
۲. داشتن ارتباط دوستی یا خانوادگی؛ مارک سیگمن با نظر به القاعده و دیگر گروه‌هایی که پیش از داعش وجود داشته‌اند مدعی است جنبش جهانی جهادگرایی اسلامی، اساساً بر پایه روابط خانوادگی و دوستی شکل گرفته است. (Sageman, 2008: 18).
۳. بی‌ایمانی، دین‌باوری سطحی در زندگی گذشته و فقر دانش دینی؛ میزان دانش دینی مراجع فکری گروه‌های سلفی جهادی پیش از این مورد توجه محققان این حوزه قرار داشته است (Batrawy et al, 2016: 45).
۴. بحران هویت و مسئله طردشدگی؛ مسئله هویت در ظهور پدیده‌هایی همچون داعش، مسئله محوری و چندبعدی است. مثلاً بسیاری از پژوهشگران تصریح کرده‌اند که اضمحلال هویت ملی یا احساس ظلم به هویت اسلامی از جمله مهم‌ترین دلایل ظهور جهادگرایی سلفی بوده است. بسیاری از صاحب‌نظران بحران هویت و طردشدگی از جامعه را یکی از عوامل اصلی پیوستن فرد به داعش دانسته‌اند. برای نمونه، «تیفانی تسه» می‌نویسد: «تنهایی و حاشیه‌ای شدن مردان در جوامع‌شان آن‌ها را به سوی تلاش برای یافتن معنایی از تعلق و رفاقت سوق می‌دهد. طردشدگان اجتماعی دچار سرخوردگی می‌شوند و راه‌های خروج را در جایی جستجو می‌کنند که در آن بخشی از گروهی هستند که پذیرایشان هست و چنین چیزی را نمی‌توانند با بازگشت به خانه به دست آورند. فقدان همبستگی در زندگی‌های جاری این‌ها که در وجوهی همچون کار، سرمایه یا ازدواج‌شان نمود می‌یابد، خلایی را ایجاد می‌کند و داعش می‌تواند از آسیب‌پذیری و نارضایتی این‌ها سوءاستفاده کند» (Tse, 2016: 22).
۵. احساس تبعیض مذهبی و اضمحلال ملی؛ بسیاری از صاحب‌نظران درباره داعش از جمله فوآز جرجس به عامل فرقه‌گرایی به‌منزله یکی از مهم‌ترین عوامل ظهور داعش اشاره کرده‌اند (Gerges, 2016: 22).

۶. قراردادن در موقعیت خلاء حاکمیتی (جنگ، آشوب و مناطق صعب‌العبور)؛ «فواز جرجس» در کنار فرقه‌گرایی، عامل شکست دولت (یا به تعبیر بهتر خلاء حاکمیتی ناشی از شکست دولت) را مهم‌ترین عامل ظهور داعش می‌داند (Gerges, 2016: 25).

ج. مدل گرایش به گروه داعش توسط کردهای غرب کشور

همان‌گونه که ذکر شد، با توجه به نظریه محرومیت نسبی، سه متغیر اصلی در این مدل وجود دارد که عبارتند از ارزش‌های ذهنی افراد؛ فرصت‌هایی که افراد به آن‌ها دست پیدا می‌کنند؛ و محرومیتی که از رسیدن به این فرصت‌ها مطابق ارزش‌های ذهنی موجب می‌شود این افراد از هویت ملی و شخصی خود جدا و به سمت گروه داعش گرایش پیدا کنند. میزان مؤلفه‌های ارزش‌ها و فرصت‌های هر فرد به میزان بررسی محرومیت نسبی و در نتیجه میزان تأثیر گرایش فرد به هویت فردی، گروهی و ملی پرداخته‌اند. در مجموع، با توجه به گرایش کردهای اهل سنت به گروه داعش، می‌توان مدل مفهومی زیر را ارائه داد.



شکل ۲. مدل مفهومی گرایش کردهای اهل سنت به گروه داعش

د. روش شناسی تحقیق

پژوهش حاضر از نوع ترکیبی (کمی و کیفی) است که در آن شدت مؤلفه‌های محرومیت نسبی بعنوان متغیر مستقل و گرایش به گروه داعش بعنوان متغیر وابسته در نظر گرفته شده است. روش پیمایشی و طرح پژوهشی از نوع مدل‌یابی معادلات ساختاری استفاده شده است. جامعه آماری این پژوهش عبارت است از محکومان جرم عضویت در گروهک تروریستی داعش طی سال‌های ۱۳۹۴ الی ۱۳۹۹ حاضر در زندان‌های کشور انتخاب شده‌اند. حجم نمونه با استفاده از جدول مورگان به تعداد ۸۰ نفر تعیین گردیده است. نمونه‌گیری به روش تصادفی ساده صورت پذیرفت و از میان ۸۶ پرسشنامه پخش شده، به میزان ۸۰ تا آن‌ها با پاسخ بازگردانده شده است. گردآوری داده‌ها با استفاده از پرسشنامه سؤالی انجام شد که توزیع سؤالات پرسشنامه در جدول ۱ آمده است.

جدول ۱. توزیع سؤالات پرسشنامه

متغیر	بُعد	تعداد سؤالات	شماره سؤالات
ارزش‌های ذهنی فرد	ارزش اقتصادی	۴	۱-۲-۳-۴
	ارزش سیاسی	۵	۵-۶-۷-۸-۹
	ارزش مذهبی	۵	۱۰-۱۱-۱۲-۱۳-۱۴
	ارزش قومیتی	۴	۱۵-۱۶-۱۷-۱۸
	اخذ اطلاعات روزانه	۴	۱۹-۲۰-۲۱-۲۲
فرصت به دست آوردن	فرصت اقتصادی	۴	۲۳-۲۴-۲۵-۲۶
	فرصت سیاسی	۵	۲۷-۲۸-۲۹-۳۰-۳۱
	فرصت مذهبی	۵	۳۲-۳۳-۳۴-۳۵-۳۶
	فرصت قومیتی	۴	۳۷-۳۸-۳۹-۴۰
	فرصت اخذ اطلاعات روزانه	۴	۴۱-۴۲-۴۳-۴۴
محرومیت	محرومیت اقتصادی	۴	۴۵-۴۶-۴۷-۴۸
	محرومیت سیاسی	۵	۴۹-۵۰-۵۱-۵۲-۵۳
	محرومیت مذهبی	۵	۵۴-۵۵-۵۶-۵۷-۵۸
	محرومیت قومیتی	۴	۵۹-۶۰-۶۱-۶۲
	محرومیت اخذ اطلاعات روزانه	۴	۶۳-۶۴-۶۵-۶۶

لازم به ذکر است ابعاد بررسی این متغیرها نیز از داده‌های موجود از مدل گیوری و با نظرات اساتید محترم و مبتنی بر ادبیات تحقیق موجود گویه‌سازی مجدد و مربوط به جامعه آماری یعنی عناصر دارای گرایش به گروه داعش از میان اقوام کرد اهل سنت شده است.

در این تحقیق برای تجزیه و تحلیل داده‌ها، از نرم افزار Smart PLS نسخه ۳ و SPSS نسخه ۲۳ استفاده می‌شود. ابتدا آمار توصیفی داده‌های پژوهش ارائه می‌گردد و سپس تحلیل داده‌ها بر مبنای آمار استنباطی و به کمک فنون آماری مناسب (آزمون‌های رگرسیون و فریدمن) به منظور آزمون فرضیه‌ها صورت می‌گیرد. در بحث روایی، مدل اندازه‌گیری انعکاسی توسط نرم‌افزار Smart-PLS نیز شاخص‌هایی برای اندازه‌گیری لحاظ شده است. روایی همگرا، بیانگر رابطه ملاک‌ها یا معرف‌های مختلف نسبت به یکدیگر و با بیان رابطه سازه با متغیرهای فرضیه و مبانی نظری است. در واقع، اعتبار همگرا زمانی که امتیازات به دست آمده از دو ابزار در مورد یک مفهوم، همبستگی زیادی با هم داشته باشند، وجود دارد. به عبارتی منظور از شاخص روایی همگرا سنجش میزان تبیین متغیر پنهان توسط متغیرهای مشاهده‌پذیر آن است. مقادیر بالای ۰,۵ نشان دهنده همسانی یا اعتبار درونی مدل می‌باشد.

همان‌طور که در جدول زیر نتایج این بررسی روایی همگرا برای مدل ارزش پیوستن به داعش آمده است، می‌توان دید همه مقادیر از عدد ۰,۵ بالاتر هستند. لذا این مدل از روایی همگرای مناسب و قابل قبولی برخوردار است.

جدول ۲. نتایج روایی همگرا برای ارزش‌های ذهنی فرد

	Average Variance Extracted (AVE)
ارزش اطلاعات	0.541
ارزش اقتصادی	0.661
ارزش سیاسی	0.731
ارزش قومیتی	0.712
ارزش مذهبی	0.528
ارزش‌ها در گرایش به داعش	0.588

همان‌طور که در جدول زیر نتایج این بررسی روایی همگرا برای مدل فرصت پیوستن به داعش آمده است، می‌توان دید همه مقادیر از عدد ۰,۵ بالاتر هستند لذا این مدل از روایی همگرای مناسب و قابل قبولی برخوردار است.

جدول ۳. نتایج روایی همگرا برای فرصت های کسب نشده

	Average Variance Extracted (AVE)
فرصت اخذ اطلاعات	0.59
فرصت اقتصادی	0.616
فرصت سیاسی	0.654
فرصت قومیتی	0.592
فرصت مذهبی	0.665
فرصت پیوستن به داعش	0.622

همان‌طور که در جدول زیر نتایج این بررسی روایی همگرا برای مدل محرومیت آمده است می‌توان دید همه مقادیر از عدد ۰,۵ بالاتر هستند لذا این مدل از روایی همگرای مناسب و قابل قبولی برخوردار است.

جدول ۴. نتایج روایی همگرا برای محرومیت‌ها

	Average Variance Extracted (AVE)
محرومیت	0.612
محرومیت اطلاعاتی	0.595
محرومیت اقتصادی	0.661
محرومیت سیاسی	0.765
محرومیت قومیتی	0.599
محرومیت مذهبی	0.605

۱. پایایی مرکب و ضریب آلفای کرونباخ

آلفای کرونباخ^۱، شاخصی سنتی برای بررسی پایایی یا سازگاری درونی بین متغیرهای مشاهده‌پذیر در یک مدل اندازه‌گیری انعکاسی است. معیار قابل قبول بودن برای این شاخص که نشان‌دهنده پایایی مدل اندازه‌گیری انعکاسی خواهد بود، حداقل مقدار ۰,۷ می‌باشد (Cronbach, 1951: 179). این شاخص برای مدل‌های اندازه‌گیری که از یک متغیر مشاهده‌پذیر تشکیل شده‌اند، محاسبه نمی‌شود یعنی در واقع عدد یک را نشان می‌دهد. سختگیرانه بودن این شاخص برای بررسی همسانی درونی مدل اندازه‌گیری از شاخص دیگری به نام پایایی مرکب (p دلوین - گلدشتاین) استفاده می‌شود. این شاخص که توسط ورتس و همکارانش در سال ۱۹۷۴ بوجود آمد، نسبت به آلفای کرونباخ برتری بیشتری دارد. زیرا شاخص آلفای کرونباخ فرض بر این دارد که متغیرهای مشاهده‌پذیر هر مدل اندازه‌گیری، دارای وزن‌های یکسانی هستند در واقع اهمیت نسبی آنها را با هم می‌گیرد، ولی در شاخص پایایی ترکیبی این فرض وجود ندارد، در واقع، پایایی ترکیبی هنگام محاسبه از بارهای عاملی گویه‌ها استفاده می‌شود، همین تغییر روش محاسبه مقادیر پایایی مرکب را به نسبت آلفای کرونباخ بیشتر و بهتر نشان می‌دهد. معیار این شاخص نیز برای بررسی همسانی درونی مدل اندازه‌گیری مقدار ۰,۷ به بالا می‌باشد (Heir et al, 2011: 192).

جدول زیر ضریب آلفای کرونباخ و پایایی مرکب برای هر کدام از ابعاد مدل ارزش‌های پیوستن به داعش را نشان می‌دهد که بر این اساس می‌توان گفت این پرسشنامه دارای پایایی قابل قبولی است.

	آلفای کرونباخ	پایایی مرکب
ارزش اطلاعات	0.798	0.816
ارزش اقتصادی	0.78	0.812
ارزش سیاسی	0.905	0.931
ارزش قومیتی	0.867	0.908
ارزش مذهبی	0.803	0.842
ارزش‌ها در گرایش به داعش	0.807	0.819

۱. Cronbach Alpah

جدول زیر ضریب آلفای کرونیباخ و پایایی مرکب برای هر کدام از ابعاد مدل فرصت‌های کسب نشده دلیل گرایش به گروه داعش را نشان می‌دهد که بر این اساس می‌توان گفت این پرسشنامه دارای پایایی قابل قبولی است.

پایایی مرکب	آلفای کرونیباخ	
0.827	0.776	فرصت اطلاعات
0.896	0.799	فرصت اقتصادی
0.836	0.759	فرصت سیاسی
0.819	0.788	فرصت قومیتی
0.775	0.769	فرصت مذهبی
0.878	0.814	فرصت پیوستن به داعش

جدول زیر ضریب آلفای کرونیباخ و پایایی مرکب برای هر کدام از ابعاد مدل محرومیت را نشان می‌دهد که بر این اساس می‌توان گفت این پرسشنامه دارای پایایی قابل قبولی است.

پایایی مرکب	آلفای کرونیباخ	
0.884	0.833	محرومیت
0.834	0.726	محرومیت اطلاعاتی
0.892	0.725	محرومیت اقتصادی
0.812	0.719	محرومیت سیاسی
0.856	0.825	محرومیت قومیتی
0.783	0.739	محرومیت مذهبی

۵. یافته‌های پژوهش

در پژوهش پیش از پرداختن به بررسی و تحلیل فرضیات، باید ابتدا از نرمال بودن توزیع داده‌های مورد بررسی مطمئن شده و سپس فرضیه‌ها را تحلیل کرد.

۱. بررسی توزیع آماری داده‌ها

آزمون توزیع آماری داده‌ها توسط آزمونی موسوم به آزمون کولموگروف-اسمیرنوف صورت می‌گیرد. در آزمون کولموگروف-اسمیرنوف، اگر سطح معنی‌داری به دست آمده در رابطه با هر متغیر بیشتر از $0/05$ باشد، می‌گوییم که فرض صفر این آزمون (نرمال بودن توزیع داده‌ها) رد نمی‌شود و فرض نرمال بودن داده‌ها را می‌پذیریم. در رابطه با داده‌های پژوهش حاضر، نتایج این آزمون به صورت زیر به دست آمده است.

جدول ۵. نتایج بررسی توزیع آماری داده‌ها

	ARZESH	FORSAT	MAHRUM
تعداد کل داده‌ها	80	80	80
میانگین	2.9632	2.9728	2.5480
انحراف معیار	.23002	.20890	.14587
آمار آزمون کولموگروف اسمیرنوف	.064	.077	.064
سطح معنی‌داری	.200	.200	.200

همان‌گونه که در جدول بالا مشاهده می‌شود، آزمون کولموگروف اسمیرنوف مشاهده می‌شود، متغیرها دارای تابع توزیع نرمال می‌باشند و از آزمون‌های پارامتریک در تحلیل آن‌ها استفاده می‌کنیم.

۲. آزمون تحلیل رگرسیون

رگرسیون خطی برای مدل کردن مقدار یک متغیر کمی وابسته که بر رابطه خطی‌اش با یک یا چند متغیر مستقل دیگر بنا شده است، به کار می‌رود. برای بررسی مدل تاثیرات این تحقیق نیز از روش رگرسیون استفاده شده است.

جدول ۶. خلاصه مدل رگرسیونی شدت تأثیر ارزش‌های ذهنی در محرومیت نسبی

Model	ضریب همبستگی چندگانه	ضریب تعیین	ضریب تعیین تعدیل شده	خطای استاندارد تخمین
۱	.635	.404	.363	.09089

در این جدول MODEL به تعداد مدل تشکیل شده اشاره دارد که در این تحقیق همان مدل تأثیرگذاری ارزش‌ها بر احساس محرومیت نسبی است. پارامتر R یا ضریب همبستگی چندگانه میزان همبستگی بین مجموع متغیرهای مستقل و وابسته را نشان می‌دهد. نزدیک بودن به عدد ۱ نشان از همبستگی قوی بین متغیرهاست. در این مدل، میزان ضریب همبستگی $0/635$ به دست آمده که نشان می‌دهد از سطح متوسط بالاتر قرار داشته و همبستگی بین متغیرها تقریباً قوی است.

جدول ۷. ضرایب مدل رگرسیونی تأثیر ارزش‌ها بر احساس محرومیت نسبی

Model	ضرایب تأثیر رگرسیونی استاندارد نشده		ضرایب تأثیر رگرسیونی استاندارد شده	t	Sig.
	B	Std. Error	Beta		
(Constant)	1.750	.288		6.067	.000
ارزش اقتصادی	.053	.021	.229	2.528	.۰۱۲
X1 ارزش سیاسی	.056	.014	.3۱7	4.106	.۰۱۸
X2 ارزش مذهبی	.069	.054	.400	1.262	.۰۰۲
X3 ارزش قومیتی	.062	.014	.300	4.293	.۰۲۴
X4 ارزش اخذ اطلاعات	.094	.026	.377	3.582	.۰۰۳

هرچند در جدول فوق مشخص است که متغیرهای (پیشگو) متعددی در مدل وجود دارند، اما چندین ضریب بی‌معنی در آن دیده می‌شود که نشان می‌دهد این متغیرها خیلی به مدل کمک نمی‌کنند. این موضوع از توجه به سطح معناداری (Sig.) مشخص می‌شود. آن متغیرهایی که سطح آن‌ها از $0/05$ بالاتر هستند، با صفر تفاوتی ندارند و در احساس محرومیت موثر نیستند. در این جدول، ارزش قومیتی ($Sig=0.214$) دارای سطح معنی‌داری بزرگ‌تر از $0/05$ هستند. لذا می‌توان با احتمال ۹۵ درصد

گفت این عامل کمک زیادی به احساس محرومیت نمی‌کند. ضرایب رگرسیونی استاندارد شده (β) به ما کمک می‌کند تا سهم نسبی هر متغیر مستقل در تبیین تغییرات متغیر وابسته را تعیین کنیم؛ یعنی هرچه مقدار ضریب بتای یک متغیر بزرگ‌تر باشد، نقش آن در پیش‌بینی تغییرات متغیر وابسته بیشتر است. در این مدل، بالاترین ضریب مربوط به ارزش مذهبی (0.400)، ارزش اخذ اطلاعات روزانه (0.377) است.

آماره t اهمیت نسبی حضور هر متغیر مستقل در مدل را نشان می‌دهد. معمولاً هر گاه قدر مطلق مقدار این آماره برای متغیری بزرگ‌تر از عدد $2/33$ باشد سطح خطای آن کوچک‌تر از $0/01$ یا $0/05$ بوده و در نتیجه خواهیم گفت که متغیر مورد نظر تأثیر آماری معنی‌داری در تبیین تغییرات متغیر وابسته داشته است. بر اساس اطلاعات به‌دست آمده در جدول مدل رگرسیونی، تأثیر ارزش‌ها در احساس محرومیت این تحقیق را می‌توان به شرح زیر بیان کرد:

$$Y = 1.750 + 0.377 x5 + 0.400 x3$$

به‌طور کلی، نتایج تحلیل رگرسیون نشان می‌دهد که از میان متغیرهای ارزشی پیش‌بینی‌کننده احساس محرومیت عامل ارزش مذهبی با حدود 40% پیش‌بینی‌کننده‌های متوسطی برای احساس محرومیت هستند.

جدول ۸ فرصت‌ها بر احساس محرومیت

Model	R	R Square	Adjusted R Square	Std. Error of the Estimate
1	.683 ^a	.466	.430	.08600

در این جدول MODEL به تعداد مدل تشکیل شده اشاره دارد که در این تحقیق همان مدل تأثیرگذاری فرصت‌ها بر احساس محرومیت نسبی است. پارامتر R یا ضریب همبستگی چندگانه میزان همبستگی بین مجموع متغیرهای مستقل و وابسته را نشان می‌دهد. نزدیک بودن به عدد ۱ نشان از همبستگی قوی بین متغیرها است. در این مدل میزان ضریب همبستگی $0/683$ به‌دست آمده که نشان می‌دهد از سطح متوسط بالاتر قرار داشته و همبستگی بین متغیرها تقریباً قوی است.

جدول ۹. ضرایب مدل رگرسیونی تاثیر فرصت‌ها بر احساس محرومیت نسبی

Model		Unstandardized Coefficients		Standardized Coefficients	t	Sig.
		B	Std. Error	Beta		
1	(Constant)	2.066	.175		11.787	.000
	فرصت اقتصادی	.065	.016	.364	4.002	.155
	فرصت سیاسی	.044	.029	.143	1.528	.131
	فرصت مذهبی	-.124	.076	-.500	-1.633	.021
	فرصت قومیتی	.096	.021	.200	4.509	.081
	فرصت اخذ اطلاعات	.046	.027	.400	1.708	.028

هرچند در جدول فوق مشخص است که متغیرهای پیشگو متعددی در مدل وجود دارند، اما چندین ضریب بی‌معنی در آن دیده می‌شود که نشان می‌دهد این متغیرها خیلی به مدل کمک نمی‌کنند. این موضوع از توجه به سطح معناداری (Sig.) مشخص می‌شود. آن متغیرهایی که سطح آن‌ها از ۰/۰۵ بالاتر هستند، با صفر تفاوتی ندارند و در احساس محرومیت موثر نیستند. برای مثال، در این جدول ارزش قومیتی (Sig=0.081) دارای سطح معنی‌داری بزرگ‌تر ۰/۰۵ هستند. لذا می‌توان با احتمال ۹۵ درصد گفت این عامل کمک زیادی به احساس محرومیت نمی‌کنند. ضرایب رگرسیونی استاندارد شده (β) به ما کمک می‌کند تا سهم نسبی هر متغیر مستقل در تبیین تغییرات متغیر وابسته را تعیین کنیم. یعنی هرچه مقدار ضریب بتای یک متغیر بزرگ‌تر باشد، نقش آن در پیش‌بینی تغییرات متغیر وابسته بیشتر است. در این مدل بالاترین ضریب مربوط به فرصت مذهبی (0.500)، فرصت اخذ اطلاعات روزانه (0.400) است.

آماره t اهمیت نسبی حضور هر متغیر مستقل در مدل را نشان می‌دهد. معمولاً هرگاه قدر مطلق مقدار این آماره برای متغیری بزرگ‌تر از عدد ۲/۳۳ باشد، سطح خطای آن کوچک‌تر از ۰/۰۱ یا ۰/۰۵ بوده و در نتیجه خواهیم گفت که متغیر مورد نظر تاثیر آماری معنی‌داری در تبیین تغییرات متغیر وابسته داشته است.

براساس اطلاعات به‌دست آمده در جدول مدل رگرسیونی، تاثیر فرصت‌ها در احساس محرومیت این تحقیق را می‌توان به شرح زیر بیان کرد:

$$Y = 1.750 + 0.400 x5 + 0.500 x3$$

به طور کلی، نتایج تحلیل رگرسیون نشان می‌دهد که از میان متغیرهای فرصت‌های پیش‌بینی‌کننده احساس محرومیت، عامل فرصت مذهبی با حدود 50% پیش‌بینی‌کننده‌های متوسطی برای احساس محرومیت هستند.

Model	R	R Square	Adjusted R Square	Std. Error of the Estimate
1	.500 ^a	.250	.200	.10192

در این جدول MODEL به تعداد مدل تشکیل شده اشاره دارد که در این تحقیق همان مدل احساس محرومیت نسبی است. پارامتر R یا ضریب همبستگی چندگانه میزان همبستگی بین مجموع متغیرهای مستقل و وابسته را نشان می‌دهد. نزدیک بودن به عدد ۱ نشان از همبستگی قوی بین متغیرها است. در این مدل میزان ضریب همبستگی ۰/۵۰۰ به دست آمده که نشان می‌دهد از سطح متوسط بالاتر قرار داشته و همبستگی بین متغیرها تقریباً قوی است.

جدول ۱۰. احساس محرومیت نسبی

Model		Unstandardized Coefficients		Standardized Coefficients	t	Sig.
		B	Std. Error	Beta		
1	(Constant)	1.874	.283		6.623	.000
	محرومیت اقتصادی	.046	.043	.116	1.070	.288
	محرومیت سیاسی	.153	.046	.379	3.346	.232
	محرومیت مذهبی	.080	.046	.561	1.754	.031
	محرومیت قومیتی	.035	.028	.126	1.241	.219
	محرومیت اخذ اطلاعات	.066	.027	.424	2.456	.016

هر چند در جدول فوق مشخص است که متغیرهای (پیشگو) متعددی در مدل وجود دارند، اما چندین ضریب بی‌معنی در آن دیده می‌شود که نشان می‌دهد این متغیرها خیلی به مدل کمک نمی‌کنند. این موضوع از توجه به سطح معناداری (Sig.) مشخص می‌شود. آن متغیرهایی که سطح آن‌ها از ۰/۰۵ بالاتر هستند، با صفر تفاوتی ندارند و در احساس محرومیت موثر نیستند. برای

مثال، در این جدول محرومیت قومیتی (Sig=0.219) دارای سطح معنی‌داری بزرگ‌تر ۰/۰۵ می‌باشند. لذا می‌توان با احتمال ۹۵ درصد گفت این عامل کمک زیادی به احساس محرومیت نمی‌کند. ضرایب رگرسیونی استاندارد شده (β) به ما کمک می‌کند تا سهم نسبی هر متغیر مستقل در تبیین تغییرات متغیر وابسته را تعیین کنیم؛ یعنی هر چه مقدار ضریب بتای یک متغیر بزرگ‌تر باشد، نقش آن در پیش‌بینی تغییرات متغیر وابسته بیشتر است. در این مدل، بالاترین ضریب مربوط به محرومیت مذهبی (0.561)، محرومیت اخذ اطلاعات روزانه (0.424) است.

آماره t اهمیت نسبی حضور هر متغیر مستقل در مدل را نشان می‌دهد. معمولاً هرگاه قدر مطلق مقدار این آماره برای متغیری بزرگ‌تر از عدد ۲/۳۳ باشد، سطح خطای آن کوچک‌تر از ۰/۰۱ یا ۰/۰۵ بوده و در نتیجه خواهیم گفت که متغیر مورد نظر تاثیر آماری معنی‌داری در تبیین تغییرات متغیر وابسته داشته است. بر اساس اطلاعات به دست آمده در جدول مدل رگرسیونی، تاثیر فرصت‌ها در احساس محرومیت این تحقیق را می‌توان به شرح زیر بیان کرد:

$$Y = 1.750 + 0.424 x_5 + 0.561 x_3$$

به‌طور کلی، نتایج تحلیل رگرسیون نشان می‌دهد که از میان متغیرهای فرصت‌های پیش‌بینی‌کننده احساس محرومیت عامل فرصت مذهبی با حدود 56% پیش‌بینی‌کننده‌های متوسطی برای احساس محرومیت هستند.

و. میانگین نظرات پاسخ‌دهندگان و رتبه‌بندی با آزمون فریدمن

از آزمون فریدمن برای رتبه‌بندی مؤلفه‌های تحقیق استفاده شد. آزمون فریدمن نشان داد که اهمیت و رتبه مؤلفه‌ها با یکدیگر متفاوت است. در این آزمون، از میانگین رتبه که با میانگین حسابی متفاوت است، برای رتبه‌بندی مؤلفه‌ها استفاده می‌شود. بر این اساس، این سؤال طرح و آزمون شد: کدام مؤلفه‌ها از نگاه پاسخ‌دهندگان دارای اهمیت بیشتری بودند؟ با استفاده از آزمون فریدمن، سؤال مطرح‌شده را ارزیابی می‌کنیم.

در جدول زیر میانگین و انحراف استاندارد ابعاد متغیر ارزش‌ها در پیوستن به داعش ارائه شده است. دامنه میانگین از ۱ تا ۵ است. مقایسه میانگین مؤلفه‌ها نشان می‌دهد که بالاترین میانگین (۴,۹۰۵۰) متعلق به ارزش مذهبی و پایین‌ترین میانگین (۱,۵۵۵) متعلق به ارزش سیاسی

است. برای بررسی معنی‌دار بودن تفاوت بین معیارها و رتبه‌بندی آن‌ها از نظر پاسخ‌دهندگان، باید نتایج جدول بعدی (Test Statistics) را بررسی کنیم.

	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	Minimum	Maximum
اقتصادی	80	1.8875	.49507	1.00	3.25
سیاسی	80	1.5550	.76570	1.00	3.60
مذهبی	80	4.9050	.19350	4.20	5.00
قومیتی	80	1.7313	.73538	1.00	4.00
اخذ اطلاعات	80	4.7375	.40351	3.25	5.00

جدول زیر مهم‌ترین جدول آزمون فریدمن است که قبل از تفسیر جداول دیگر، نخست باید نتایج این جدول را ارزیابی کرد و در صورت معنی‌دار بودن آزمون فریدمن، به تفسیر نتایج جداول توصیفی و میانگین رتبه بپردازیم. این جدول معنی‌داری آماری را نشان می‌دهد. مقدار مجذور کای به دست آمده برابر با ۲۵۷,۱۹۲ است که در سطح خطای کمتر از ۰,۰۵ قرار دارد. معنی‌دار بودن آزمون فریدمن بدین معناست که رتبه‌بندی مؤلفه‌های مدل از نظر پاسخ‌دهندگان بامعناست و پاسخ‌دهندگان رتبه‌بندی متفاوتی از مؤلفه‌های مدل دارند.

N	80
Chi-Square	257.192
Df	4
Asymp. Sig.	.000

جدول زیر وضعیت رتبه‌بندی مؤلفه‌های متغیر ارزش را نشان می‌دهد. میانگین رتبه هر کدام از مؤلفه‌ها در جدول گزارش شده است. مقایسه میانگین رتبه‌ها نشان می‌دهد که بالاترین میانگین رتبه ۴,۶ به مؤلفه مذهبی اختصاص دارد و بدین معناست که مهم‌ترین مؤلفه از نظر پاسخ‌دهندگان در ایجاد ارزش برای پیوستن به گروه، مؤلفه مذهبی است. بعد از مؤلفه فوق، مهم‌ترین مؤلفه مدل به ترتیب شامل اخذ اطلاعات روزانه، اقتصادی، قومیتی و سیاسی می‌شود.

	Mean Rank	رتبه مؤلفه
مذهبی	4.60	۱
اخذ اطلاعات	4.40	۲
اقتصادی	2.29	۳
قومیتی	2.09	۴
سیاسی	1.63	۵

جدول بعد میانگین و انحراف استاندارد ابعاد متغیر فرصت‌های موجود برای فرد ارائه شده است. دامنه میانگین از ۱ تا ۵ است. مقایسه میانگین مؤلفه‌ها نشان می‌دهد که بالاترین میانگین (۴,۳۰۹۴) متعلق به فرصت اقتصادی و پایین‌ترین میانگین (۱,۰۵) متعلق به فرصت مذهبی است. برای بررسی معنی‌دار بودن تفاوت بین معیارها و رتبه‌بندی آن‌ها از نظر پاسخ‌دهندگان، باید نتایج جدول بعدی (Test Statistics) را بررسی کنیم.

	N	Mean	Std. Deviation	Minimum	Maximum
فرصت اقتصادی	80	4.3094	.63923	2.75	5.00
فرصت سیاسی	80	3.8075	.37307	2.60	4.20
فرصت مذهبی	80	1.0500	.13312	1.00	1.40
فرصت قومیتی	80	3.7094	.47475	2.50	5.00
فرصت اخذ اطلاعات	80	1.9875	.37081	1.25	3.25

جدول زیر مهم‌ترین جدول آزمون فریدمن است که قبل از تفسیر جداول دیگر، نخست باید نتایج این جدول را ارزیابی کرد و در صورت معنی‌دار بودن آزمون فریدمن، به تفسیر نتایج جداول توصیفی و میانگین رتبه بپردازیم. این جدول معنی‌داری آماری را نشان می‌دهد. مقدار مجذور کای به دست آمده برابر با ۲۷۷,۶۶۶ است که در سطح خطای کمتر از ۰,۰۵ قرار دارد. معنی‌دار بودن آزمون فریدمن بدین معناست که رتبه‌بندی مؤلفه‌های مدل از نظر پاسخ‌دهندگان بامعناست و پاسخ‌دهندگان رتبه‌بندی متفاوتی از مؤلفه‌های مدل دارند.

N	80
Chi-Square	277.666
df	4
Asymp. Sig.	.000

جدول زیر وضعیت رتبه بندی مؤلفه‌های متغیر فرصت را نشان می‌دهد. میانگین رتبه هرکدام از مؤلفه‌ها در جدول گزارش شده است. مقایسه میانگین رتبه‌ها نشان می‌دهد که بالاترین میانگین رتبه ۴,۶۴ به مؤلفه اقتصادی اختصاص دارد و بدین معناست که مهم‌ترین مؤلفه از نظر پاسخ‌دهندگان در ایجاد فرصت برای پیوستن به گروه، مؤلفه اقتصادی است. بعد از مؤلفه فوق، مهم‌ترین مؤلفه مدل به ترتیب شامل سیاسی، قومیتی، اخذ اطلاعات روزانه و مذهبی می‌شود.

	میانگین رتبه	رتبه
فرصت اقتصادی	4.64	۱
فرصت سیاسی	3.74	۲
فرصت قومیتی	3.62	۳
فرصت اخذ اطلاعات	2.00	۴
فرصت مذهبی	1.00	۵

جدول بعد میانگین و انحراف استاندارد ابعاد متغیر احساس محرومیت نسبی در پیوستن به داعش ارائه شده است. دامنه میانگین از ۱ تا ۵ است. مقایسه میانگین مؤلفه‌ها نشان می‌دهد که بالاترین میانگین (۴,۷۸۷۵) متعلق به احساس محرومیت مذهبی و پایین‌ترین میانگین (۱,۱۹۳۸) متعلق به احساس محرومیت اقتصادی است. برای بررسی معنی‌دار بودن تفاوت بین معیارها و رتبه‌بندی آن‌ها از نظر پاسخ‌دهندگان، باید نتایج جدول بعدی (Test Statistics) را بررسی کنیم.

	N	Mean	Std. Deviation	Minimum	Maximum
محرومیت اقتصادی	80	1.1938	.28677	1.00	2.50
محرومیت سیاسی	80	1.2400	.28177	1.00	2.20
محرومیت مذهبی	80	4.7875	.26879	3.80	5.00
محرومیت قومیتی	80	1.2563	.41334	1.00	2.50
محرومیت اخذ اطلاعات	80	4.2625	.43192	3.25	5.00

جدول زیر مهم‌ترین جدول آزمون فریدمن است که قبل از تفسیر جداول دیگر، نخست باید نتایج این جدول را ارزیابی کرد و در صورت معنی‌دار بودن آزمون فریدمن، به تفسیر نتایج جداول توصیفی و میانگین رتبه بپردازیم. این جدول معنی‌داری آماری را نشان می‌دهد. مقدار مجذور کای به‌دست آمده برابر با ۲۶۱,۷۹۹ است که در سطح خطای کمتر از ۰,۰۵ قرار دارد.

معنی دار بودن آزمون فریدمن بدین معناست که رتبه‌بندی مؤلفه‌های مدل از نظر پاسخ‌دهندگان بامعناست و پاسخ دهندگان رتبه‌بندی متفاوتی از مؤلفه‌های مدل دارند.

N	80
Chi-Square	261.799
df	4
Asymp. Sig.	.000

جدول زیر وضعیت رتبه‌بندی مؤلفه‌های متغیر احساس محرومیت نسبی در پیوستن به داعش را نشان می‌دهد. میانگین رتبه هر کدام از مؤلفه‌ها در جدول گزارش شده است. مقایسه میانگین رتبه‌ها نشان می‌دهد که بالاترین میانگین رتبه ۴٫۷۹ به مؤلفه محرومیت مذهبی اختصاص دارد و بدین معناست که مهم‌ترین مؤلفه از نظر پاسخ‌دهندگان در ایجاد احساس محرومیت برای پیوستن به گروه، مؤلفه مذهبی است. بعد از مؤلفه فوق، مهم‌ترین مؤلفه مدل به ترتیب شامل اطلاعات، سیاسی، اقتصادی و قومیتی می‌شود.

رتبه	Mean Rank	
۱	4.79	محرومیت مذهبی
۲	4.21	محرومیت اخذ اطلاعات
۳	2.04	محرومیت سیاسی
۴	1.99	محرومیت اقتصادی
۵	1.97	محرومیت قومیتی

نتیجه‌گیری

در پژوهش‌های مختلف، به فراخور محیط مورد مطالعه، مدل‌های گوناگونی برای گرایش به گروه‌های افراط‌گرای قومی و مذهبی طراحی و ارائه شده و در هر کدام نقش چند عامل مورد بررسی قرار گرفته است. در این تحقیق، با مروری بر ادبیات موضوع و مواجهه حضوری با برخی از محکومان دارای گرایش به گروه داعش، عوامل و متغیرهای مختلف در گرایش افراد به گروه داعش به اثبات رسید و سه متغیر ارزش‌های ذهنی، فرصت‌های رسیدن به ارزش‌ها و محرومیت در پنج بعد اقتصادی، سیاسی، مذهبی، قومیتی و اخذ اطلاعات دارای تأثیر بوده‌اند. در

این تحقیق نشان داده شده است که دو بعد مذهبی و اخذ اطلاعات از بیشترین تأثیر در گرایش افراد به گروه داعش برخوردارند و به گونه‌ای با استفاده از ابزار اخذ اطلاعات می‌توان بر سایر ابعاد نیز سوار شد. بر این اساس، پیشنهاد می‌شود برای مدیریت و مقابله با گرایش کردهای ساکن غرب کشور به گروه داعش، در این دو بعد سرمایه‌گذاری و اقدامات لازم صورت پذیرد. معمولاً تصور غالب در مورد ریشه‌های افراط‌گرایی این است که برخی مناطق به سبب شرایط نفوذناپذیر، نداشتن تعامل با دنیای خارج و مرکزگریزی و ناسازگاری با دولت مرکزی، مولد عقب‌ماندگی فرهنگی و رفاهی- اقتصادی و در نتیجه افراط‌گرایی شده‌اند. از این‌رو، فقر، محرومیت، ناکامی تندرهای مذهبی در بنیان‌گذاری آرمان‌شهر ایدئولوژیک‌شان و بی‌سوادی و تعصب، سبب انزوا و دورماندن بخش‌هایی از جوامع از روندهای سیاسی مدرن شده است که آثار آن به صورت خشونت بروز پیدا می‌کند. بر این اساس، ریشه رفتارهای افراط‌گرایانه، نوعی ناکامی ناشی از محرومیت‌های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی است. بنابراین، هرگاه بین فرد و اهدافش مانعی قرار گیرد، به علت عدم توانایی در حصول به اهداف، ارزش‌ها و آرمان‌های اجتماعی و یأس و ناامیدی ناشی از آن، به خشونت و رفتارهای افراطی رو می‌آورد.

این پژوهش اثبات کرد که ناکامی گروه‌های افراطی در دستیابی به قدرت و استقرار ساختار سیاسی مبتنی بر اهدافشان و فقر فرهنگی و فکری و محرومیت قشرهای حامی این گروه‌ها یکی از دلایل اصلی گرایش به گروه داعش در میان کردهای ساکن غرب جمهوری اسلامی ایران بوده است. این نوع رفتار تا زمان رفع این ناکامی تداوم خواهد یافت. بنابراین، در صورت ناهماهنگی میان انتظارات مردم و واقعیت‌های اجتماعی، نوعی احساس محرومیت پدید می‌آید و این احساس نیز منجر به ظهور گرایش به گروهک‌های تروریستی و تکفیری مانند داعش می‌شود. در میان این عوامل نیز عامل مذهب پررنگ‌تر است. بر اساس اطلاعات به‌دست آمده می‌توان گفت که مؤلفه‌های مذهبی و اخذ اطلاعات به‌ترتیب اولویت گرایش به گروه داعش است. با توجه به سطح سواد پایین زندانیان و انگیزه‌های اعتقادی آن‌ها، پاسخ به سؤالات پرسش‌نامه برای آن‌ها سخت بوده است و می‌توان گفت که انگیزه اعتقادی و احساس محرومیت ناشی از مذهب بیشترین دلیل گرایش به گروه داعش در میان این عناصر بوده است.

منابع

- آدمی، علی و عبدالله، مرادی (۱۳۹۴) چیستی افراط‌گرایی در اسلام سیاسی: ریشه‌های هویتی و کنش‌هنجاری، **فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام**، سال پنجم، شماره سوم.
- آشوری، داریوش (۱۳۵۱) **فرهنگ سیاسی**، چاپ پنجم، تهران: انتشارات مروارید.
- جلائی‌پور، حمیدرضا (۱۳۷۲) **کردستان علل تداوم بحران آن پس از انقلاب اسلامی**، تهران: مؤسسه چاپ و انتشارات وزارت خارجه.
- جمالی، جواد (۱۳۹۰) مدل تئوریک تحلیل افراط‌گرایی (با کاربری نظریه سازه‌نگاری)، **فصل‌نامه آفاق امنیت**، دوره ۴، شماره ۱۲.
- خسروی، علیرضا و اسدی، علی‌اکبر (۱۳۹۷) استقلال‌خواهی کردی در عراق: تحلیل ساختاری و سناریو، **فصلنامه مطالعات راهبردی**، دوره ۲۱، شماره ۸۱.
- دانش‌نیا، فرهاد (۱۳۹۴) سازه‌نگاری الکساندر ونت: امتناع از گذار از بن‌بست‌های تئوریک روابط بین‌الملل و دست‌یابی به راهی میانه، **جستارهای سیاسی معاصر**، سال ششم، شماره دوم.
- رایبگتن، ارل و واینبرگ، مارتین (۱۳۹۷) **رویکرهای نظری هفت‌گانه در بررسی مسائل اجتماعی**، ترجمه رحمت‌الله صدیق سروستانی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- عبداللهی ضیاء‌الدینی، مهدی، علی مرشدی‌زاد، عباس کشاورز و زاهد غفاری هنجبین (۱۳۹۸) الگو و فرآیند کنش‌های سیاسی قومی در ایران، **فصلنامه مطالعات راهبردی**، دوره ۲۲، شماره ۸۶.
- عطا، محسن و سعیدیان، ناصر (۱۳۹۱)، **علل گسترش و نفوذ گروه‌های اهل سنت سلفی در میان اعراب خوزستان**، تهران: انتشارات دانشکده اطلاعات.
- کریمی، علی (۱۳۸۸) درآمدی نظری بر کاربرد و نقد نظریه چارچوب‌سازی در تحلیل پویای قومی، **فصلنامه مطالعات ملی**، سال دهم، شماره ۴.
- کاوایانی‌راد، مراد (۱۳۸۰)، **بررسی نقش هویت قومی در اتحاد ملی (مطالعه موردی قوم بلوچ)**، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس.
- کینان، درک (۱۳۷۲) **کردها و کردستان**، ترجمه ابراهیم یونسی، مؤسسه انتشارات نگاه.
- گر، تد رابرت (۱۳۸۸) **چرا انسان‌ها شورش می‌کنند**، ترجمه: علی مرشدی‌زاد، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی گل‌محمدی، احمد (۱۳۸۳) **جهانی‌شدن فرهنگ و هویت**، تهران: نشر نی.
- گودرزی، حسین (۱۳۸۵) **مفاهیم بنیادین در مطالعات قومی**، تهران: انتشارات مؤسسه مطالعات ملی.
- گیوری، تورج (۱۳۹۸) **علل و عوامل موثر بر گسترش گروه‌های رادیکال قومی - مذهبی در مناطق مرکزی جمهوری اسلامی ایران**، تهران: دانشگاه آزاد اسلامی.

مارش، دیوید و جری استوکر (۱۳۷۸) روش و نظریه در علوم سیاسی، ترجمه امیرمحمد حاجی یوسفی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.

محرابی، علیرضا و عزیززاده طسوج، محسن (۱۳۹۴) مفهوم قوم و قومیت در تاریخ ایران و الگوی مناسب سیاست قومی، هشتمین کنگره انجمن ژئوپلیتیک ایران همدلی اقوام ایرانی انسجام و اقتدار ملی، سندج، انجمن ژئوپلیتیک ایران.

می، محسن و آذر علی‌نژاد (۱۳۹۰) ریشه‌های ایدئولوژیک تروریسم، فصلنامه سیاست، دوره ۴۱، شماره ۳.

ویلیکاکس، لیرد (۱۳۸۲) افراط‌گرایی سیاسی چیست؟، ترجمه فیروزه مهاجر، کتاب توسعه، شماره ۱۴.

یوسفی، علی (۱۳۸۰) روابط بین قومی و تاثیر آن بر هویت ملی در ایران: تحلیلی ثانویه بر داده‌های یک پیمایش ملی، فصلنامه مطالعات ملی، سال دوم، شماره ۸.

Batrawy. A, Dodds.P, Hinnant (2016) Leaked ISIS document reveal recruits have poor grasps of Islamic faith www.independent.co.uk.

Baqi, Huma (2011) Extremism and Fundamentalism: Linkages to Terrorism Pakistan's Perspective, **International Journal of Humanities and Social Sciences**, Vol.1, No. 6.

Byman D (2015) **AL Qaeda, The Islamic State and The Global Jihadist Movement**, Oxford University Press.

Sageman, M Leaderless (2008) **Jihad: Terror Networks in the Twenty-first century**, University of Pennsylvania press.

Tse, Tiffani (2016) ISIS and Recruitment: How Do Demographics Play a Role? www.repository.cmu.edu

Waver, Ole (1995), **Securitization and Desecuritization**, in: Ronnie, Lipschutz (ed) On Security, New York: Colombia University Press.

Nasser-eddine Minerva. Bridget garnham, Katerina agostina and gilbert caluya (2011) Countering Violent Extremism (CVE) Literature Review, **Counter Terrorism and Security Technology Center**.

Dollard, john and leonard W. doob (1939) **Frustration and Aggression**, Yale University Press.

Sagemon, Marc (2005) Understanding Jihad Networks, **strategic insights**, Vol. 4, No. 4.

